

متن پرسش

سلام علیکم: ۱. با وجود اینکه کتاب مبانی نظری نبوت و امامت رو خوندم این سوال هنوز برام مرتفع نشده. آیا اینکه حضرت ابراهیم (ع) به مراسم مشرکین نرفتند و فرمودند: فقال انی سقیم (سوره صافات آیه ۸۹)، سخن کذب و دروغ بوده یا خیر؟ چون قولی هست که حضرت ابراهیم تقیه کرده و قول دیگری که حضرت منظورش تردید و سستی در دین و عقایدش بوده و قول دیگر اینکه حضرت کلامی گفته که معنای ظاهریش و معنای باطنی اش متفاوتند و منظور حضرت اون معنای ظاهری نبوده و قولی هست که حضرت پس از نگاه به ستاره ها متوجه شده موعده تب نوبه ایشان است و برای قانع کردن آنها فرموده بیمارم و البته بیماریشان در حدی نبوده که نتواند بت شکنی کند ۲. آیا این فعل و اقدام چنانچه برخی شبهه می کنند می تواند مصداق نسبی بودن اخلاق و نه مطلق بودن و معیار ثابت اخلاقی باشد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. شاید بتوان روی این نکته فکر کرد که حضرت در آن فضای تاریخی به نحوی خواسته اند بفرمایند من بیمارم؛ به این معنا که دست و دلم به سوی تفریحی که شما برای خود شکل داده اید و می خواهید از شهر خارج شوید، نمی رود. به همان شکلی که ما در صحبت های خود می گوییم «حال ندارم»، یعنی حال آن کار را ندارم. ۲. نسبی بودن اخلاقی به این معنا که حقیقتی وجود ندارد؛ سخنی است که عقلاً باطل است به اعتبار آن که وجود مطلق، کمال مطلق است. ولی نسبی بودن اخلاق به آن معنا که حقیقت مناسب شرایط متفاوت ظهورات متفاوت دارد، حرف غلطی نیست. مثل تشکیک وجود، که در شرایط مختلف ظهورات مختلف دارد. موفق باشید